

The Approach of Quranic and Literary Culture to Medicine in the Treatise Version Hal-e Moama Dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Hojjat Ebadimanesh¹
Seyyed Alireza Golshani^{2*}

How to cite this article

Hojjat Ebadimanesh, Seyyed Alireza Golshani. The Approach of Quranic and Literary Culture to Medicine in the Treatise Version Hal-e Moama Dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(2): 64-72.

1. MA student, Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran.
2. PhD, Department of Iranian Medicine, Ardakan, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Email: golshani_22@yahoo.com

Article History

Received: 2023/02/02
Accepted: 2023/08/15

ABSTRACT

Purpose: The version of the treatise "Hal-e Moama dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba" in Persian language, is written by an unknown person known as Hakim Haq Nazar, one of the traditional physicians of the Qajar period (1789 to 1925 AD). This unique lithography copy is available in the Astan Quds Razavi library with the registration number 4410, and was completed by Abdul-Rahim Shirazi on the September 21, 1867 AD. This medical treatise is to pay attention to the effect of celestial objects and stars on the possibility of disease outbreak, which is proved by using Quranic verses and Nahj al-Balagha, and it deals with the possible justification of the outbreak of cholera in the Qajar period, which can be seen as a scholarly work of the Qur'an and a religious and religious approach in dealing with cholera.

Methodology: This research was done in an analytical-descriptive way and with a library-document method; After collecting enough information about the version of the treatise "Hal-e Moama dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba" to achieve the goals of the research, the collected information was analyzed with a Qur'anic-narrative approach.

Findings: The use of poems by famous Iranian poets such as Ferdowsi Tusi, Saadi Shirazi and Jalāl al-Dīn Muḥammad Rūmī is also one of the interesting points of this medical treatise, which shows the literary taste of the anonymous author of this medical treatise, in other works, the approach of Qur'anic and literary culture to medicine is less discussed.

Conclusion: In this research, we first investigate the possible author of this medical treatise in the Qajar period, and then we deal with the scientific and literary correction of the version of the treatise "Hal-e Moama dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba".

Keywords: Hal-e Moama, Ba, Holy Qur'an, medical history, Qajar, Iran.

رویکرد فرهنگ قرآنی و ادبی به پزشکی در نسخه

رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا»

حجت عبادی منش

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

سیدعلیرضا گلشنی*

دکتری تخصصی، گروه طب ایرانی اردکان، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: نسخه رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» به زبان فارسی، تالیف شخصی ناشناس معروف به حکیم حق نظر از پزشکان سنتی دوره قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) است. این نسخه چاپ خطی منحصر به فرد که در کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۴۴۱۰ موجود می باشد، و با کتابت عبدالرحیم شیرازی در بیست و دوم جمادی الاول سال ۱۲۸۴ قمری به پایان رسیده است. این رساله طبعی توجه به تاثیر اجرام آسمانی و کواکب در احتمال شیوع بیماری است که برای اثبات آن از آیات قرآنی و نهج البلاغه استفاده کرده و به توجیه احتمالی علت شیوع بیماری وبا در دوره قاجار می پردازد، که می تواند به عنوان اثری قرآن پژوهانه و رویکردی دینی و اعتقادی در مقابله با بیماری وبا دانست.

مواد و روش ها: این پژوهش به شیوهی تحلیلی-توصیفی و با روش کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است؛ بعد از جمع‌آوری اطلاعات کافی در مورد نسخه رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» جهت رسیدن به اهداف پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده با رویکرد قرآنی-روایی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: استفاده از اشعار شعرای نامی ایرانی چون فردوسی، سعدی و مولوی نیز از نکات جالب این رساله طبعی است که نشان دهنده ذوق ادبی نگارنده گمنام این رساله طبعی دارد، که در دیگر آثار کمتر به رویکرد فرهنگ قرآنی و ادبی به پزشکی پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش ابتدا به بررسی نگارنده احتمالی این رساله طبعی در دوره قاجار پرداخته و سپس به تصحیح علمی و ادبی نسخه رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» می پردازیم.

واژه‌های کلیدی: رساله حل معما، وبا، قرآن کریم، اشعار فارسی، تاریخ پزشکی، قاجار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

*نویسنده مسئول: golshani_22@yahoo.com

مقدمه

نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های متعدد در ایران، گنجینه‌ای ارزشمند به حساب می‌آید. کشور ما به دلیل داشتن نسخه‌های خطی، چاپ سنگی و سربی پشتوانه فرهنگی بسیار قوی دارد. همچنین نسخه‌های خطی بسیاری به زبان فارسی در کتابخانه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها در زمینه علوم مختلفی نوشته شده، و بخش نسبتاً معتناهایی از این آثار، مربوط به علم طب است. تصحیح یک اثر نفیس خطی، تحشیه و تعلیق بر رساله‌ای طبی از زمان‌های پیشین از آن جا که باعث تقویت میراث فاخر قومی و ملی شده و اطلاعاتی وسیع در باب اندیشه پزشکی، ساختار فکری و زبانی دانشمندان و متفکران گذشته به دست می‌دهد و به دانسته‌های محققان تاریخ پزشکی، تاریخ اجتماعی و مبانی اندیشه‌ای علوم قرآنی کنونی می‌افزاید. که تصحیح این نسخ را از سوی نگارندگان این پژوهش دارای اهمیت کرده است. یکی از نسخ خطی رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» به زبان فارسی، تالیف شخصی ناشناس معروف به حکیم حق نظر است. این نسخه منحصر به فرد که در کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۴۴۱۰ موجود می‌باشد. این نسخه با کتابت عبدالرحیم شیرازی در بیست و دوم جمادی الاول سال ۱۲۸۴ قمری. / ۲۱ سپتامبر ۱۸۶۷ میلادی با کتابت به پایان رسیده است (۱). این رساله بنا بر آنچه در عبارات متن مشاهده می‌گردد متعلق به شخصی است که خود را ملقب به «حکیم حق نظر» معرفی کرده و خود را عبرانی نسب می‌داند و این نشان دهنده آن است که اجدادش یهودی بوده، وی از نومسلمانان در دوره قاجاریه (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) است (۱). از نسخه چاپ خطی رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» که نشان از اهمیت این کتاب در جامعه ایرانی عصر قاجار دارد، چهار نسخه خطی دیگر نیز در کتابخانه مرکز اسناد ملی ایران موجود است که دو تا از آنها با خط نسخ و نستعلیق از سوی محمد حسن بن محمد همدانی در نوزدهم ربیع الاول ۱۲۹۲ کتابت شده و دو نسخه دیگر نیز بدون ذکر تاریخ از کاتبان ناشناس کتابت شده است.

در پژوهش‌های انجام شده اطلاع دقیقی از مشخصات فردی حکیم حق نظر یافته نشد. شاهرزاده عباس میرزا ملک آرا نقل کرده که در ۱۲۶۱ ه.ق که به وبا مبتلا شده بود، طبییی یهودی به نام حق نظر او را مداوا کرده است (۲). همچنین پولاک در سفرنامه خود اشاره به چهار برادر از خانواده کلیمی می‌کند که از اطباء پرمشغله تهران به شمار می‌روند. در این سفرنامه نام یکی از این اطباء را «حق نظر» بیان می‌کند که این طبیب برای مدت کوتاهی از اطباء محمدشاه قاجار (۱۲۲۲ - ۱۲۶۴ ه.ق) بوده است (۳). میرزا تقی خان کاشانی نیز در نمره ۵۶، ۱۳ شعبان ۱۲۹۷ در روزنامه فرهنگ، در ضمن بحثی راجع به محسنات دارالفنون از اسلام آوردن دو بزرگ زاده یهودی نام برده است که یکی از آنها عبدالله از نوادگان حکیم حق نظر بوده و ظاهراً از وضع مالی خوبی نیز برخوردار بوده است. همین طور در نمره ۱۰۷، ۸ جمادی الاول ۱۲۶۹ در روزنامه وقایع اتفاقیه

on Influenza “Resaleh dar Maraz the 19th Anfeluaanza (Gerip)” within

Century» (۹) به چاپ رسیده است. در واقع این ابتکار نخستین بار از سوی نگارنده مسئول این پژوهش در تبدیل رساله‌های طبی قدیمی به مقاله‌های علمی در نشریات معتبر علمی کشور صورت گرفته شده است. اما باید اذعان داشت که این شیوه تحقیق از سوی نگارندگان خارجی ساهاست در حال انجام است. آنچه قابل بیان می‌باشد این است که رساله‌های کوتاه طبی این قابلیت را دارد که بصورت مقالات علمی در ژورنال‌های مختلف پزشکی داخلی و بین المللی به چاپ برسند.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تصحیح نسخه خطی و شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابشناسی می‌باشد. روش انجام این تحقیق، مطالعه‌ی توصیفی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی تحلیلی علمی نسخه خطی برمبنای دوره تاریخی مورد بحث به شیوه پژوهشی جدید می‌باشد. در نهایت مراحل گردآوری و تدوین این تحقیق از آغاز تا خاتمه به این ترتیب می‌باشد: الف) بررسی، تحلیل، تصحیح و مطالعه دقیق نسخه خطی رساله «حل معما در آداب حدوث مرض و با» به کمک متون تاریخی، ادبی، دینی و مذهبی شیعه، سفرنامه‌ها و تحقیقات جدید با رجوع به منابع فارسی و عربی. ب) فیش برداری مطالب مربوط به موضوع تحقیق. ج) دسته‌بندی منظم فیش‌ها، برای استفاده مطلوب و بررسی هرچه بهتر اطلاعات. د) اصلاح، تصحیح، تدوین و نگارش مطالب.

اما نکته‌ای که سبب توجه نگارندگان این مقاله به نسخه نسبتاً کامل باقیمانده از نسخه خطی رساله «حل معما در آداب حدوث مرض و با» از شخصیت ناشناس معروف به حکیم حق نظر شده، رساله طبی منحصر به فردی است که از سوی حکیم مزبور نگارش و از سوی کاتبی به نام عبدالرحیم شیرازی در بیست و دوم جمادی الاول سال ۱۲۸۴ قمری / ۲۱ سپتامبر ۱۸۶۷ میلادی با چاپ خطی کتابت شده است. که صورت نسخه خطی آن به شماره ۴۴۱۰ در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به زبان فارسی باقیمانده که پژوهشگران این تحقیق از این نسخه برای تصحیح استفاده نمودند.

یافته‌ها

رساله موسوم حل معما در آداب حدوث مرض و با سمت نگارش یافت به جهت عموم انتفاع صورت انطباق پذیرفت هر که طالب باشد حسب الله و طلباً لرمضانه بلاعوض داده می‌شود. (تصویر ۱).

ذیل اخباری از روزنامه کردستان، از یک مورد طبابت عجیب فردی به نام حکیم حق نظر ولد حکیم اسماعیل ذکر به میان آورده است (۴).

در واقع علت نگارش رساله «حل معما در آداب حدوث مرض و با» را می‌توان، شیوع و با به عنوان یکی از بیماری‌های واگیردار در سال ۱۲۳۶ ق/ ۱۸۲۱ م. در ایران دانست. این بیماری از طریق سواحل عمان به کشور وارد شد. گستردگی این بیماری به گونه‌ای بود که به عنوان یکی از بزرگترین معضلات ایران سده سیزدهم و دوره قاجار در حوزه پزشکی به شمار می‌رفت (۴). به گونه‌ای که از این بیماری به «مرض موت» یا «مرگا مرگی» نیز یاد شده است (۵). گزارش کشتار روزانه ۱۵۰۰ نفر در منطقه خلیج فارس، ۴۰۰۰ نفر در بحرین - که مصادف با دو سوم جمعیت آن منطقه بود - و کشتار حدود دو سوم جمعیت شیراز از نشانگر آثار اپیدمی این بیماری در سراسر ایران می‌باشد (۵). کشتار جمعیت شیراز را می‌توان یکی از بزرگترین کشتار این بیماری به شمار آورد.

چنانکه در گزارش این واقعه چنین آمده است که: «مردم شیراز به مرض موت گرفتار شده و قریب به ۲۰۰۰۰ کس به وادی خاموش رفتند» (۶). این بیماری از تا نزدیک به یک قرن پس از ورودش به ایران، کماکان تلفات خود را بر جای داشت (۴). عدم رعایت اصول بهداشتی و پیشگیری سبب شده که تا تاسیس قوانین دولتی حفظ الصحة و قرنطینه، حتی پزشکی مدرن هم نتواند در برابر شیوع بیماری در ایران کاری از پیش ببرد (۷).

در این میان دانشی که می‌بایست با این بیماری روبرو گردد، همان دانش بومی ایرانی بود که از چندین نسل برای ما به یادگار مانده بود. نظریات و اندیشه‌های طبابت آن روزگار در مواجهه با اپیدمی و با سبب نگارش رساله‌ای موسوم به «حل معما» از سوی حکیم حق نظر شد. حکیم حق نظر اشکالات خود را بر نظریات ارائه شده در خصوص اسباب و علل بیماری و با در این رساله بیان می‌کند و معتقد است که: «اطبای سلف و خلف و سایر طبقات خلق» بر این پندارند که و با از عفونت هوا ظاهر می‌شود» (۱، ۴). اما پس از ایراد اشکالات در نهایت نظر خود را این چنین بیان می‌کند که:

«آنان که مرض را از سر عفونت هوا می‌دانند و آن عده که مرض را هیضه می‌پندارند، هر دو در اشتباهند... مرض و با به واسطه غلظت و احتراق صفرای واقعه در مراه حادث می‌شود. گاهی به ندرت عارض می‌گردد. اطباء غفلت می‌کنند که این مرض و با، است اسهال ردیه و غیره اسم می‌گذارند.» (۱).

تاکنون در حوزه تصحیح کامل یک نسخه رساله طبی و چاپ آن به صورت مقاله در نشریات علمی و معتبر ایران تنها دو نسخه چاپ سنگی از سوی نویسنده مسئول این پژوهش با عناوین «بررسی و تصحیح رساله گریپ (آنفلوانزا) اثر دکتر حیدر میرزای شاهرخ شاهی» (۸) و مقاله انگلیسی « Introduction to treaties



تصویر ۱: صفحه اول رساله

و بر آنها به متابعت حکم «لاتبتلوا صدقاتکم بالمنّ و الادی» منتّ نمی گذارم، بلکه امتنان دارم و حمد باری تعالی می کنم که مرا موفق فرمود و به توفیق بزرگ که به خدمت بندگان او عزّ اسمه اشتغال دارم و شفای مرضای آنها به سعی و اهتمام من عطا می شود و مرا اجر اخروی و تجربه دنیوی کافی است. اکنون بعضی از تجربیات و تحقیقات خود را در این رساله مختصر که به «حلّ معما» موسوم است، می نگارم. شاید ناظرین را مزید علم و تجربه گردد و رشته به دست آمده باشد. و به مرور طبای حال و استقبال به زیادتی تجربه او را تکمیل فرمایند (۱). قطعه:

غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی بینم بقای
مگر صاحب دلی روزی به رحمت کند بر حال مسکینان (درویشان)
دعایی (۱).

[دیباچه گلستان، ابومحمّد مشرف الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف، متخلص به سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۰ قمری)] (۱۰).

عموم طبای سلف و خلف و سایر طبقات خلق معتقد بر آنند که وبا از عفونت هوا ظاهر می شود و سمّی در هوا حاصل شده، از حلق و دماغ سرایت به اندرون می کند و موجب هلاکت می گردد. و حال آنکه مکرر دیده شده است که در بهار و زمستان در مکان‌های بسیار باصفا، بلکه در قلال جبال شامخه این مرض عارض شده و جمعی را تلف کرده است. این اعتقاد اول خبطی است که ذهن طیب را معشوش می کند و از معالجه باز می دارد و نمی گذارد درصدد فهمیدن علت حدوث این مرض برآیند (۱).

چون علت معلوم شود، شور به حکم حتم علاج آن سهل و آسان کرده، چنانچه احدی از اطباء معالجه این مرض را به تحقیق ندانسته، عتّش همان است که حدوث آن را از عفونت هوا می دانند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله واجب الوجود و مستوجب السجود* باری النّسم و شافی السیقم* المّتوحّد بالبقاء و المتفرد بالهاء* لا اله الا هو الرحمن الرحيم* و السلام علی ملائکة المقرّبین* و علی الّذین انعم الله علیهم من النّبیین و الشّهداء و الصّالحین* و حسنّ اولئک رفیقاً* سیّما النبی الامّی العرّبی حبّیل الله المتین و شفیع المذنبین* انه لقول رسول کریم* ذی قوّة عند ذی العرش مکین* مطاع ثم امین* و ما صاحبکم بمنجون* و لقد راه بالافق المبین* محمد رسول ربّ العالمین و خاتم النّبیین* و علی نفسه الانور و وصیه الاطهر* قالع باب خبیر و قاتل عمرو و عتتر* ابي شُبیر و شبر* قاسن طوبی و سقر علی خیر البشر* من ابي فقد کفر* و علی اولاده المعصومین الطاهرين الّذین بهم فتح الله* و بهم یختم و رحمة الله و برکاته* (۱).

اما بعد؛ چنین گوید حکیم دانشمند عبرانی نسب یونانی حسب خادم طباع مومنین و تراب شراع مسلمین معروف در گاه سلطان و مشعوف بالطاف خاقان، پیر روشن ضمیر، طیب باتجربه و تدبیر کارآزموده بافراط ثالث بطلمیوس و بقراط و دارای هوش و بصر، حکیم باشی حق نظر که سالهاست خدمت بزرگان ملّت و چاکران دولت را بر آسایش نفس ترجیح داده، در ایام ظهور و حدوث امراض سهمناک آشکار اوست، از جان شسته و در بالین مرضی نشسته، هرگز اغنیا را بر فقرا رجحان نداده، به قدر وسع و امکان در علاج همگان کوشیده ام. و مطلقاً از علما و سادات و اشخاصی که به ضیق معیشت مبتلا بودند، حق تقدّمی که معمول به اطباء است، مطالبه نکرده و اگر داده اند، نگرفته ام (۱).

و چنین تصور می‌کنند که چیزی از خارج به حلق و دماغ وارد می‌شود و آدمی را به این بلیه مبتلا می‌کند. لاجرم حلق را امر به تفرقه می‌نمایند و سفارش می‌کنند که در مکان‌های نظیف مسکن کنید و عطریات استعمال نمایند و در مجمعی مجتمع نشوید و نزد یکدیگر از موت مذاکره نکنید (۱).

« أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. / و این اشخاص الی حال ندانسته اند که هیچ مرضی از خارج وارد طبیعت و مزاج نمی‌شود، بلکه خود طبیعت آدمی احداث مرض می‌نماید. همچنانکه صحت از خارج وارد طبیعت نمی‌شود، مرض هم از خارج وارد طبیعت نخواهد شد» (۱). (سوره بقره - آیه ۴۴). [قرآن کریم] (۱۱).

این هر دو حالت در باطن مزاج بروز می‌کند به واسطه استعدادی که در اخلاط اربعه ظهور می‌نماید.

شعر:

چار طبع مخالف سرکش

چند روزی بُدند با هم خوش

گر یکی زان چهار شد غالب

جان شیرین برآید از قالب (۱).

[گلستان قسمت چهارم - پیغام اهل راز، سعدی شیرازی] (۱۰).

و بخصوصه مرض وبا به واسطه غلظت و احتراق صفرای واقعه در مراره حادث می‌شود. گاهی به ندرت عارض می‌گردد. اطباء غفلت می‌کنند که این مرض و باء است اسهال ردیه و غیره اسم می‌گذارند. اوقاتی که شایع می‌شود و عموم هم می‌رساند، محقق خواهد بود و باء است. علت شیوع این مرض به واسطه اثر اجرام علوی است که در اغلب طباع جذب رطوبت از مراره شده او را غلیظ نموده، سمیت‌ها و عارض می‌شود چون قطره از آن وارد معده بشود، همچنان است که سمّ افعی وارد مزاج شده است، فوراً موجب قی و اسهال خواهد شد، مجموع رطوبت غریزی را از عروق و اعصاب و تمام بدن فاسد نموده و به قی و اسهال دفع می‌نماید (۱).

هرگاه به تعجیل در معالجه بشود ان شاء الله مبدل به صحت خواهد شد و اگر تأخیر در علاج شود، ناچار به قلب و کبد و دماغ سرایت می‌کند و بدن را از رطوبت غریزی خالی کرده، عروق و اعصاب را خشک می‌نماید و مورث هلاک می‌شود.

و ما در این رساله علت نجومی این مرض را مختصراً بیان می‌کنیم و می‌گوییم وجود اخلاط اربعه در امزجه که عبارت از دم و بلغم و صفرا و سودا هستند، به واسطه عناصر اربعه می‌باشند. هر یک از این چهار خلط تعلق به عنصری دارد. صفرا متعلق به عنصر آتش، دم متعلق به عنصر باد، بلغم متعلق به عنصر آب، و سودا متعلق به عنصر خاک است (۱).

و منبع وجود حقیقت و طبیعت عناصر اربعه در رفوق کواکب سبعة سیاره می‌باشد و اثر کواکب در جهان محسوس و آشکار است و مطلقاً حاجت تأمل و تفکر ندارد و از شدت ظهور اثر ایشان را آباء سبعة می‌نامند. و هر یک آنها متضمن اثرهای کلی می‌باشند که اغلب

آنها را الی حال احدی استدراک ننموده است. و مسلماً آنچه در فوق مرئی و ملحوظ می‌شوند، لغو و باطل ایجاد نشده‌اند. چنانچه در کلام مجید می‌فرماید: « الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قِنَّا عَذَابَ النَّارِ. / کسانی که خدا را در حال قیام و نشسته و خفته، یاد می‌کنند و در ایجاد آسمانها و زمین تفکر می‌نمایند و می‌گویند: ای پروردگارا، این دستگاه عظیم خلقت را بیهوده نیافریدی، پاک و منزهی تو، ما را از عذاب آتش نگاهدار» (۱). (سوره آل عمران - آیه ۱۹۱). [قرآن کریم] (۱۱).

و در موضع دیگر فرموده است که « وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ. / و ما آسمان و زمین و هر چه را بین آنهاست بازیچه و باطل خلق نکرده‌ایم، این گمان کافران است، و وای بر کافران از آتش دوزخ» (۱). (سوره ص - آیه ۲۷). [قرآن کریم] (۱۱).

چون محقق شد که لغو و بیهوده نیستند، بدانکه جرم قمر منفردا به منبع طبیعت عنصر آب است. مطلق میاه آفاق و انفس تعلق به او دارد و از اثر وجود اوست. چنانچه مشاهده شده است جزر و مد بحار به واسطه قمر ظاهر می‌شود.

آب انهار و قنوات و چشمه سارها به واسطه اثر قمر جریان می‌یابد و در قمر زمین تکوین پیدا می‌کند. و از ملائکه اربعه که حامل عرش عالم وجود می‌باشند، قمر منسوب به جبرئیل می‌باشد. و جبرئیل لفظی است مرکب از دو کلمه «ئیل» از اسماء الله است و «جبر» در کتاب لغت به معنی بهر است، آمده است (۱).

عُطارد و زُحَل منبع طبیعت عنصر خاک هستند و اصل ماده وجود خاک است. آنچه از زمین می‌روید اثر وجود این دو کوکب است. بودن این دو کوکب معاً یا منفرداً به خصوص زُحَل که از عُطارد اقوی می‌باشد، در بروج شمالی باعث خوبی و فراوانی غلات و اغلب اجناس که از زمین می‌روید، خواهد شد. در بلادی که به عرض شمالی واقع است چون در بروج جنوبی سیر نمایند، فراوانی و ارزانی در بلاد جنوب خواهد شد. و از ملائکه اربعه این دو کوکب انتساب به میکائیل دارند، زیرا که ارزاق منسوب به اوست (۱).

زهره و مشتری منبع طبیعت عنصر باد هستند. در هر یک از بروج شمالی و جنوبی که سیر نمایند، تموج در هوای بلادی که تحت آن برج واقع شده اند، خواهد شد. مطلقاً هوا و ریاح از اثر این دو کوکب است. و از ملائکه اربعه این دو کوکب انتساب به اسرافیل دارند. زیرا که نفخ صور مطلقاً به او اختصاص دارد.

شمس و مریخ منبع طبیعت عنصر آتش اند. طیح، نضح و تکمیل کل اشیاء از اثر وجود این دو کوکب است. هرگاه شمس منفرداً در بروج شمالی باشد، چندان حرارت در هوا غالب نمی‌شود. اگر با مریخ مجتمعاً در بروج شمالی باشند، به خصوص در مقارنه و اجتماع هر دو کوکب در یک برج خاصه در سرطان و اسد به حد افراط موجب گرمی و حرارت هوای بلاد شمالی می‌شود (۱).

به قمر است، نافع خواهد بود. و مطلقاً استعمال جوهریات و ادویه حاره جایز نیست. و اگر استعمال کنند در هلاکت مریض تعجیل کرده‌اند (۱).

هرگاه شخص قبل از ابتلا به این مرض مداومت نماید به خوردن دوغ تازه و آبلیمو و سکنجبین و رُب انار و رُب شاه توت و سایر ربوب حامضه و اجتناب کند از خوردن سیر و پیاز و کراث و عسل و مویز و انگور و انجیر و خربزه و عموم جوهریات، ان شاء الله الرحمن هرگز به این مرض مبتلا نخواهد شد.

و همچنین تصدق رافع این مرض است. این اوراق به اقتضای تحقیقات علمی صورت تسوید پذیرفت. ولیکن از وقوع امری که به حکم «أَيُّمًا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» / هر کجا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد ولو در برج‌های محکم باشید ظهور خواهد یافت، چاره نیست» (۱). (سوره نساء - ۷۸). [قرآن کریم] (۱۱).

شعر:

اگر صد بمانی و گر صد هزار
به خاک اندر آید سرانجام کار (۱). [شاهنامه، پادشاهی اسکندر، بخش ۴۶ - ابوالقاسم فردوسی طوسی ۳۲۹ - ۴۱۶ قمری] (۱۲).
تأخیر ایام معدوده چندان حاصلی نخواهد داشت.

شعر:

این فناجا چون جهان بود نیست
بازگشت عاریت بس سود نیست (۱). [مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۱۶۳، اجابت کردن حق تعالی دعای موسی را علیه السلام، مولانا جلال الدین محمد بلخی (۶۰۴ - ۶۷۲ هجری قمری)] (۱۳).

اگر صحت‌ها و عافیت‌های موقتی به جهت خوشوقتی دوستان و متعلقان است، لابد کام آنها وقتی از فراق تلخ خواهد شد. پس امری که وقوع خواهد یافت هر قدر زودتر واقع شود به حکم «الیأس احدی الراحین» / یکی از دو راحت و مراد یأس است «آسوده‌تر خواهد بود». و اگر مجموع اهل این جهان به این عقیده باشند و اختیار توقف و ارتحال به دست آنها باشد، البته نوع منقرض شده، موالید موجود نمی‌شود. پس خداوند حکیم اختیار این امر را مخصوصاً به قبضه اقتدار خود باز گذاشت، چنانچه فرموده است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» / و هر قومی را دوره‌ای و اجل معینی است که چون اجلشان فرا رسد لحظه‌ای پس و پیش نخواهند شد» (سوره اعراف - آیه ۳۴). (۱، ۹). [قرآن کریم] (۱۱).

و باب وصول نعمت‌های اخروی را به مشاهده کراهت صورت ظاهر موت چنان صعب و سخت فرمود که مجموع اهل عالم از مشاهده آن خائف و متزلزل و هراسناک شده‌اند. و در انظار خلق «فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بَسُورَ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهَرُهُ مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ» / در این گفتگو باشند که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصاری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در، بهشت

و از ملائکه اربعه انتساب این دو کوكب به عزرائیل است. در آفاق و انفس احداث حرارت شدید می‌کنند، رطوبت غریزه را به تخفیف می‌نماید.

لاجرم امراض حاره و حاده در عالم حادث می‌شود. محرقه و مطبقه و حصبه و آبله و سرسام طاعون و وباء جمیعا به واسطه این در امزجه حادث می‌شود. رطوبت غریزی از توجه باطنی شمس و مریخ در نفوس فانی و قلیل المقدار می‌شود.

رطوبت از مراره جذب می‌شود، غلظت هم می‌رساند و سمیت حاصل می‌کند. لون مراره زنجاری و کراثی می‌شود، چون به اقتضای عادت مستمره قطره ازو به معده چکیده شود، فوراً بواسطه قی و اسهال مجموع بدن گذاخته می‌شود و اعصاب به واسطه عدم رطوبت تشنج حاصل می‌کنند (۱).

از کمال غلبه حرارت، سردی در بدن هم می‌رسد، و همین دلیل نهایت حرارت اوست. مثل اینکه جوهر نعناع را هر که بخورد، دهن را سرد می‌کند و اگر بر بدن بمالند، بدن را سرد می‌کند و حال آنکه در نهایت حرارت است. و همچنین در اسبابی که به جهت ساختن یخ مصنوعی از فرنگستان آورده‌اند، هرگاه ملاحظه کنند، می‌بینند که نهایت گرمی باعث ظهور برودت شده است که با آتش آب منجمد شده، یخ می‌بندد.

والحاصل علت ظهور مرض وباء به طور شیاع و عموم به واسطه مقارنه مریخ و شمس است در یک برج. چون این مرض عارض شود باید فوراً در صدد تبرید و ترطیب کلی مزاج برآمد و اگر غفلت کنند یا اینکه جوهریات و دودهای گرم و معاجین حاره استعمال نمایند، امید بهبودی از مریض مذکور از کمال سفاقت و بی‌خردی است (۱).

و از خصایص این مرض آن است که چون صفرای زنجاری و کراثی سمی از مراره وارد معده شد، ابتدا هر قدر دود و کرم که در معده و امعاء باشد، مجموع آنها را می‌کشد، باقی و اسهال از بدن خارج می‌نماید. هرگاه معجلاً اصلاح حال مراره را نمودند و آنچه وارد معده شده است، منطفی کردند، البته صحت ظاهر خواهد شد. و آلا ممنوع العلاج می‌باشد. بهترین معالجات آن است که چون در مزاج علامت این مرض مشاهده شود، فوراً آب گرم و روغن بادام به او بدهند و به انگشت و پرتحریک در قی نمایند و پس از آن سکنجبین و آب گرم بخوراند و باز تحریک در قی کردن بشود. پس شروع نمایند به دادن آب اسفرزه که با یخ سرد شده باشد، هر قدر عطش داشته باشد، آب اسفرزه بخورد. سکنجبین ترش و افشره آب لیموی ترش نیز مفید است (۱).

و باید مکرر اماله نماید از آب اسفرزه و گل خطمی و روغن بادام چون قی موقوف بشود، سفوف مروارید و طباشیر و فادرهر معدنی و تخم خرفه قدری به او بخوراند. و این عمل را چند روز متوالی مرعی دارند.

مبادا غفلت از تبرید و ترطیب نمایند که موجب ندامت می‌شود. و همچنین مجموع آن چیزی که از اغذیه و اشربه در علم طب منسوب

رحمت است و از جانب ظاهر آن عذاب جهنم خواهد بود، جلوه کرده است» (۱). (سوره حدید- آیه ۱۳). [قرآن کریم] (۱۱). پس حاصل وجود بعد از طاعت و سجود آسوده داشتن خلاق است. اگر چه اغلب آنها از جمله «أُولَئِكَ كَانُوا لِنِعْمِ اللَّهِ غَافِلِينَ / أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» / آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند، آنها همان مردمی هستند که غافلاند» (۱). (سوره اعراف - آیه ۱۷۹). [قرآن کریم] (۱۱).

شخص حکیم آن است که ایشان را به وعد و وعید و تخویف و تهدید به اقتضای حکمت عملی طوری راه برد تا وقتی که مدت حیات آنها منقضی شود و طبقه دیگر به وجود آیند، پس حکیم دیگر به این امر اقدام ننماید.

شعر:

یکی چون رود دیگر آید بجای

جهان را نماند بی کدخدای (۱). [شاهنامه، کیتباد، بخش ۳، حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی] (۱۲).

نیکبخت کسی است که چون وارد مرکز خاک شد و فهمید که این زمین را خدای تعالی معدن و مزرع آخرت فرموده است، زاد معاد باید از اینجا اتخاذ شود، دست خالی بیرون رفتن سبب خسران و فقر اخروی خواهد بود. چنانکه فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» / ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را بر تجارتی که از عذاب دردناک (قیامت) نجاتان دهد، راهنمایی کنم؟ به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید. (در این صورت)، خداوند گناهان شما را می‌آمرزد و به باغ‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است و خانه‌های دل‌پسند در بهشت‌های جاودان واردتان می‌کند. این رستگاری بزرگی است» (۱). (سوره صف - آیه ۱۰ و ۱۱). [قرآن کریم] (۱۱).

«وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ» / و نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت ده» (۱). (سوره صف - آیه ۱۳). [قرآن کریم] (۱۱).

و نیز در تواریخ و اخبار نوشته‌اند که چون اسکندر به ظلمات رسید، هاتفی آواز داد که هر که از احجار زمین بردارد، پشیمان می‌شود و هر که بر ندارد نیز پشیمان خواهد شد. بعضی مقدار قلیلی برداشتند، چون بر دشتی رسیدند، مجموع آنچه برداشته بودند، جواهر بود و پشیمانی از برای جملگی حاصل شد که چرا کم برداشته بودند و چرا بعضی هیچ برداشتند.

این قصه کنایه از عالم این جهان است که همچون ظلمات است هر ساعت هاتف، یعنی جیش اسکندر وجود را ندا در می‌دهد که ازین

معدن زاد و راحله و مایه تجارت و سود عالم آخرت را بردارید و دست خالی نروید که پشیمان خواهید شد و ندامت را سود و ثمری نخواهد بود. چون حالت ظلمات را دارد و غفلت دارند و قبول نمی‌کنند و می‌گویند شخص اموال خود را که به رنج و زحمت زیاد فراهم آورده است، چرا باید به دست خود ضایع و تباه کند (۱). تفریط کردن و به این و آن دادن چه ضرورت دارد. به اقتضای عقل ظاهری باید مجموع آنها را به جدّ و جهد تمام محافظت نمود و فُلسی به هیچ کس نداد، تا وقتی که ندای رحیل به گوش جان در رسد به افسوس بگذارند و بگذرند.

چنانچه فرموده‌اند: «بَشْرُوا مَالِ الْبَخِيلِ بَوَارِثُ أَوْ حَادِثُ: فرمود هر مردی را در مال خود او دو شریک هستند: یکی وارث و دیگری حادثان یعنی وقایع و آفات. و جایی دیگر واقع است (بشر مال البخیل بوارث او حادث) و در مجمع الامثال از (ابوذر رحمه الله) نقل کرده است که گفت: تو را در مال تو دو شریک است: حادث و وارث. اگر توانی چنان کنی که نصیب تو از آن شرکاء کمتر و خسیس‌تر نباشد البته بکن» (حکمت ۳۳۵ نهج البلاغه: شریکان اموال انسان) (۱). [نهج البلاغه برگزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی(ع) است که سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری ۷۹ بخش دارد که از ۱۲ وصیت‌نامه، سفارش و بخش‌نامه و ۲ فرمان، یک دعا، یک پیمان‌نامه و ۶۳ نامه مکتوب تشکیل شده است].

(۱۴).

قطعه:

هر که را مال هست و خوردن نیست

او از آن مال بهره کی دارد

یا به تاراج حادثات برند

یا به میراث خواره بگذارد (۱). [گلستان، سعدی شیرازی] (۱۰).

پس عقل حقیقی که در وصف آن گفته‌اند: «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ. / عقل آن نیرو و موجودی است که خداوند به وسیله آن عبادت می‌شود و بوسیله آن بهشت بدست می‌آید» (۱، ۱۲). [کتاب الکافی، در سه بخش اصول، فروع و روضه حدیثی شیعه از شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق ورامینی رازی معروف به کلینی، شیخ کلینی (۲۵۸ - ۳۲۹ قمری)] (۱۵).

اقتضای آن دارد و می‌گوید که آدمی را پسندیده نیست که از منبع فیض فقیر و گدا خارج شود و در ایام توقف جهان مبتلا به مرض جوع البقر و جوع الكلب بشود و پیوسته خطاب «هَلْ امْتَلَأْتَ / آیا پر شده‌ای» (۱). (سوره ق - آیه ۳۰). [قرآن کریم] (۱۱). را جواب این «هَلْ مِنْ مَزِيدٍ / آیا بیش از این هم هستند» [روزی که جهنم را گوئیم: آیا مملو (از وجود کافران) شدی؟ و او گوید: آیا (دوزخیان) بیش از این هم هستند؟]. بگوید و چیزهای ضایع و تباه را به فقرا بدهد.

و حال آنکه از مخبر صادق شنیده است «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» / شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید

خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند آگاه‌تر است» (۱). (سوره قصص - آیه ۵۶). [قرآن کریم] (۱۱).

در مثنوی می‌فرماید:

تو فسرده درخور این آدم نئی

با شکر مقرون نئی گر چه نئی [مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۱۸۵، رو نهادن آن بنده عاشق سوی بخارا، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی]

(۱۳)

و دیگر گفته‌اند:

جایی که عقاب پر بریزد

از پشه لاغری چه خیزد (۱). [دیوان اشعار، بخش دو، مدایح، شماره ۶، بند ۶، ترکیب بند، میرزا حبیب خراسانی (۱۲۶۶-۱۳۲۷ قمری)]

شاعران عارف و از روحانیان خراسانی دوره قاجار] (۱۶).

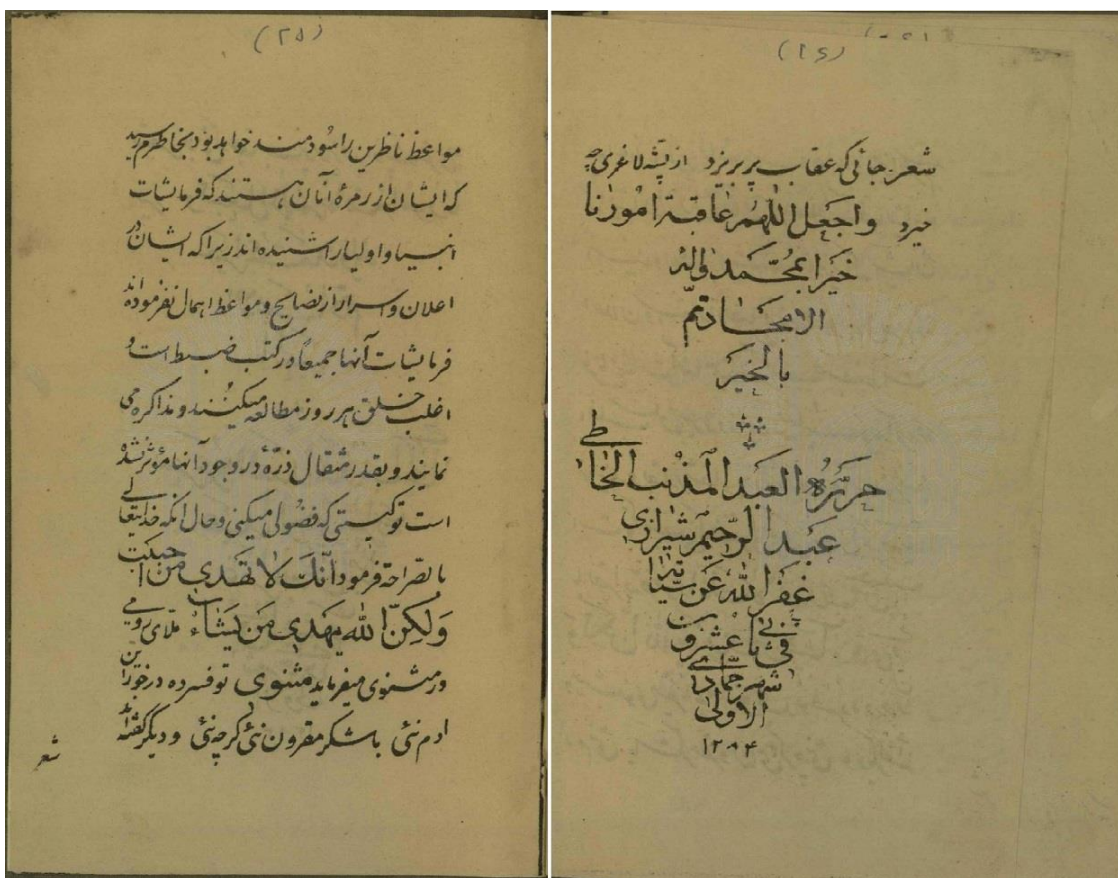
حریره العبد المذنب الخاطی عبدالرحیم شیرازی غفرالله عن سیانه فی ثانی عشرون شهر جمادی الاولی ۱۲۸۴ (۱).

رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید» (۱). (سوره آل عمران - آیه ۹۲). [قرآن کریم] (۱۱).

و من در هنگام نوشتن این اوراق معتقد این بودم که البته این مواظظ ناظرین را سودمند خواهد بود. به خاطر رسید که ایشان را از زمره آنان هستند که فرمایشات انبیا و اولیاء را شنیده‌اند. زیرا که ایشان در اعلان و اسرار از نصایح و مواظظ اهمال نفرموده‌اند.

فرمایشات آنها جمیعا در کتب ضبط است و اغلب خلق هر روز مطالعه می‌کنند و مذاکره می‌نمایند و به قدر مثقال ذره در وجود آنها مؤثر نشده است. تو کیستی که فضولی می‌کنی و حال آنکه خدای تعالی بالصراحه فرمود:

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ». / ای رسول ما، با آنکه تو هادی خلقی، چنین نیست که هر کس را تو دوست بداری هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را



تصویر ۲: دو صفحه آخر رساله

نتیجه‌گیری

در این پژوهش در کنار معرفی و بازنویسی رساله طبی منحصر به فردی هستیم، که صورت نسخه خطی به شماره ۴۴۱۰ در گنجینه نسخه‌های چاپ خطی کتابخانه و مرکز آستان قدس رضوی با نام نسخه رساله «حل معما در آداب حدوث مرض وبا» اثر حکیم حق

نظر و در بیست و دوم جمادی الاول سال ۱۲۸۴ قمری با کتابت عبدالرحیم شیرازی به پایان رسیده است. در این رساله با وجودی که نمی‌توان این رساله را اثری عمیق در دانش پزشکی دانست و حتی شاید از نظر دانش علمی امروز نگارش خرافی و بی‌پایه و اساس باشد، اما دلایل طبی و تأثیرات اجرام آسمانی و کواکب در تعیین

of Research on History of Medicine, 2017; 6(4): 207-218.

7. Golshani SA, A Sarafrazi, Nematollahi SR, Ranjbaran Z. An Overview of Transferring Corpses to Sacred Places and Its Consequences During the Qajar Era. Research Journal of Iran Local Histories, 2016; 4(2): 52-58.

8. Golshani SA, Farkhondehzadeh M. Review and Correction of the Treatise "Grip (Influenza)" by Dr Haidar Mirza Shahrokhshahi. Nafas Journal. 2022, 9(3): 1-15.

9. Golshani SA, Farkhondehzadeh M. Introduction to treaties on Influenza "Resaleh dar Maraz Anfeluaanza (Gerip)" within the 19th Century. Journal of Research on History of Medicine, 2023; 12(1): 69-76.

10. Saadi Shirazi MM. Gulistan (The Rose Garden). Edited by Mohammad Ali Foroughi. Tehran: Behzad, 2002, p. 9-122.

11. The Quran Karim.

12. Ferdowsi Tusi AQ. Shahnameh. Vol. 3. Edited by Mehdi Gharib and Mohammad Ali Behbodhi. Tehran: Toos Publications, 1995. p. 370.

13. Jalāl al-Dīn Muḥammad Rūmī. Masnavi-ye-Ma'navi. Tehran: Tolou press, 1991, p. 573.

14. Nahj al-Balagha. Wisdom 335: Partners of human property.

15. al-Kulayni, MY. Kitab al-Kafi. Vol. 1. Translated and edited by Mahdi Ayatollahi. Tehran: Jahanara, 2007, p. 4.

16. Mirza Habib Khorasani, Divan of Poems, Part Two, Praises, No. 6, Paragraph 6, Tarkib-bannd, [Internet]. 2021 April 21 [cited 08 July 2023]; Available from: URL://https://ganjoor.net/habib/divan/b2/madihe/sh6.

نوع بیماری و روش درمان، که برای اثبات آن از آیات قرآن، نهج البلاغه، اصول کافی محمدبن یعقوب کلینی و اشعار شاعران شهیری چون فردوسی، سعدی، مولانا و میرزا حبیب خراسانی استفاده کرده و به توجیه احتمالی علت شیوع بیماری وبا می‌پردازد، از نگاه جامعه شناسی تاریخ پزشکی، متون عامیانه پزشکی و متن دینی و معنوی دوره قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) می‌توان قابل تامل باشد، این احتمال دور از ذهن نیست که حکیم حق نظر به عنوان یک یهودی تازه مسلمان در دوره قاجار، با استفاده از آیات قرآنی و سایر متون دینی اسلام شیعه درصدد اعلام براءت از دین یهود و اثباتی دال بر مسلمان شیعه نشان دادن خویش دارد. که در این پژوهش در کنار تصحیح و بازخوانی رساله، منابع مورد استفاده این نگارنده دوره قاجار را با تحقیق و تحلیل علمی آوردیم. معرفی این رساله اهمیت حکیم حق نظر در تاریخ معاصر آنچنان که باید هیچگاه مورد توجه قرار گرفته نشده و نیاز به واکاوی بسیار عمیقی دارد، که در حد توان در این پژوهش به آن پرداختیم.

References

1. Hakim Haq Nazar. Hal-e Moama dar Adab Hudus-e Maraz-e Vabba (Solving the riddle in the customs of cholera). Editor: Abdul Rahim Shirazi. Mashhad: Lithograph of Astan Quds Razavi Library. 1867, pp. 1-26.
2. Afzalmulak, GhH. Afzal al-Tawarikh. Edited by: Mansoureh Ettehadieh (Nizam Mafi) and Siros Saadoundian. Tehran: Tarikh Iran press, 1981, p. 111.
3. Polak, J E. Pollack's travelogue, Iran and Iranians. Edited by Kaykavos Jahandari, Tehran: Khwarazmi press, 1989, pp. 397-398.
4. Karimkhanzand, M. Iranian Medicine's Encounter with the Cholera and Plague Epidemics in Qajar Iran in the 19th Century. Journal for the History of Science, 2012; 10(2): 93-126.
5. Nategh H. The calamity of cholera and the scourge of government, a collection of articles. Tehran: Gostareh Publishing, 1979, pp. 11-13.
6. Heidari, S. Investigating Causes of Cholera Outbreak in Shiraz during 1236 and 1322 Hijri (1820-1904 A.D.). Journal